

Anahita A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture No. 04, 2017, pp 71-85	آناهیتا مجله علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی شماره: 04 سالنامه 2017 میلادی، صص 71-85
---	---

Risala: In the Meaning of Willayah A Research

*Murtaza Chirmagi Imrani

Some historical and cultural facts can only be found in manuscripts. Therefore, we have attempted to present in this article a brief edited text by Shah Naimatullah Wali, who was a renowned mystic in the 8th and 9th centuries AH. This text is based on four edited and revised manuscripts.

Shah Naimat-tu-Allah Wali, after defining and elaboration upon Willayah, analysis philosophy from the perspective of kalaam and mysticism. He talks about different kinds of Willayah, declaring the followers of this path deserving analysis in 8th and 9th centuries AH, this article aims to revise this mystic text in the light of Quranic verses, “Ahadis” and through poetry, which will be of much benefit to scholars and readers.

Key words: Willayah, Shah Naimatullah Wali, Kalaam, Mysticism, Mystic Text

رساله در «تحقیق معنی ولایت

*مرتضی چرمگی/عمرانی

چکیده:

از آنجا که برخی از حقایق تاریخی و فرهنگی را غیر از راه نسخه شناسی نمی توان به دست آورد سعی ما در این مقاله به دست دادن متنی منقح از رساله ای مختصر موسوم به «تحقیق معنی ولایت» از شاه نعمت الله ولی شاعر و عارف نامدار قرن 8 و 9 ه. ق است. این متن براساس چهار نسخه خطی تصحیح و بازخوانی شده است. شاه نعمت الله پس از شکافتن و بحث در معنی ولایت و بررسی آن از دیدگاه فلسفی، کلامی و عرفانی و برشمردن اقسام ولایت، راه رسیدن سالک به این مرتبه را مورد بررسی قرار داده است. نتیجه ای که از این مقاله مستفاد می شود، علاوه بر احیاء این متن عرفانی از سده هشتم و نهم، گویای اطلاع و اشراف عارفی بنام بر زوایای مختلف ولایت است، که توانسته آن را از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار دهد و از آیات، احادیث و اشعار برای تاکید گفته های خود به خوبی بهره ببرد.

کلید واژه: شاه نعمت الله ولی، نثر عرفانی قرن هشتم و نهم، تحقیق ولایت

مقدمه:

اسلام یک دین کامل و دربردارنده ی هدایت انسان در همه ی ابعاد فردی و اجتماعی آن است. و از آن جایی که همه چیز در عالم هستی به خاطر شان و منزلت انسان آفریده شده، بحث ولایت بر انسان و مخلوقات اهمیت بسیار و جایگاه ویژه ای دارد.

قرآن کریم ولایت مطلق را از خداوندی می داند (الله ولی الذین آمنوا) (بقره/257) (انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا) (مائده/55) و ولایت کسانی را مجاز می داند که از جانب خداوند مأمور و مأذون باشند.

طبق آیات قرآن کریم انبیاء و اولیاء الهی از جمله انسانهایی هستند که مأمور به ولایت از جانب خدا می باشند. در عین حال مؤمنان نیز بخشی از ولایت را دارا می باشند. اهمیت ولایت را باید در کلام امام باقر (ع) جستجو کنیم آنجا که فرمودند: اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. و به چیز دیگری دعوت نشده است آن طور که به ولایت دعوت شده است. (بحار الانوار، ج/67 باب/27 روایت 1)

و دلیل آن این است که وقتی ولایت و حکومت اسلامی برقرار شود، فرصت برای اجرای تمام احکام دین در همه ی ابعاد فراهم می شود.

ولایتی که خداوند برای انبیاء و اولیاء در نظر گرفته دو قسم است:

- 1- ولایت ظاهری که عبارت است از رهبری و سرپرستی جامعه برای اجرای قوانین الهی
- 2- ولایت معنوی که عبارت است سرپرستی و رهبری معنوی انسانها که مرتبه ای بالاتر از ولایت ظاهری است، یعنی این بزرگواران باتوجه به این که واسطه ی فیض الهی به مخلوقات و انسان هستند به اذن الهی می توانند در عالم طبیعت دخل و تصرف نمایند و نیز به اذن الهی امور انسانها را در صورتی که به نفع آنان باشد برآورده نمایند. مانند شفای بیمار، دستگیری از درماندگان، هدایت باطنی افراد و...

در یک تقسیم بندی دیگر ولایت به ولایت عام و ولایت خاص تقسیم می گردد. قرآن کریم ولایت خاص را که مفهومی وسیع تر داشته و شامل ولایت عام نیز می گردد از آن پیامبران و اولیاء الهی می داند و ولایت عام را برای مؤمنان در نظر می گیرد. قرآن کریم کسانی را که فرمان می دهند در حالی که فرمانشان برخاسته از فرمان الهی نیست و خداوند آنان را تعین نکرده «طاغوت» نامیده و پذیرفتن ولایت آنان را بر مسلمانان حرام می داند.

شاه نعمت الله ولی

سید نورالدین نعمت الله بن محمد بن کمال الدین یحیی کوه بنانی کرمانی معروف به سید نورالدین شاه نعمت الله ولی کرمانی (731-834) شاعر و عارف ایرانی است. شاه نعمت الله از اقطاب و عرفای سده ی هشتم و نهم هجری است که طریقتی جدید در تصوف ایجاد کرد و پیروان سایر طریقت ها را نیز تحت تاثیر خود قرار داد. او از جمله شعرای تصوف ایران و قطب در اویش نعمت الله است. او در طریقت تصوف مؤسس سلسله ی مشهور نعمت اللهی است و در راه طریقت و سیر و سلوک مقامی بلند داشته است. او در پنج سالگی با تصوف و عرفان آشنا شد و پدرش میر عبد الله او را به مجالس صوفیه می برد. شهر حلب در آن زمان مرکز مکتب وحدت و جودی ابن عربی بود. شاه نعمت الله از این فرصت استفاده کرده و در حلب در خدمت محی الدین ابن عربی قرار گرفت و از مکتب و عرفان او بهره برد.

شاه نعمت الله علوم مقدماتی رانزد شیخ رکن الدین شیرازی و حکمت رانزد سید جلال الدین خوارزمی و اصول و فقه را نزد قاضی عضد الدین ایجی آموخت. و چون علوم ظاهری طبع

اورا قانع نکرد سالها به ریاضت و تصفیه و تزکیه باطن پرداخت و در پی مراد به مکه مشرف شد. و از دست شیخ عبدالله یافعی خرقه پوشید. شاه نعمت الله هفت سال با این شیخ عارف به سربرد و از آنجا به مصر رفت و از آنجا به سوی جهان فرهنگ ایرانی روی آورد. شاه نعمت الله دارای دیوانی است مشتمل بر قصاید و غزلیات و ترجیعات و مثنویات است که از لحاظ ادبی متوسط است.

سایر تالیفات او

- 1- شرح لمعات که شامل یک دیباچه و شرح 27 لمعه از فخرالدین عراقی است.
- 2- رساله های شاه نعمت الله ولی که مجموعه ای از 97 رساله است.

رسم الخط و شیوه ی کتابت نسخه اساس

نسخه ای که ملاک و پایه دیگر نسخه ها قرار گرفته است متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که به سال 1066 هجری به شماره شناسه 372/2 و به خط محمد مظفر ابن محمد حکیم نوشته شده است. که شامل سه صفحه و به خط نستعلیق ریز است. پاره ای از ویژگیهای این نوشته به شرح زیر است.

- 1- «ت» در بیشتر کلمات مختوم به آن به شکل «ة» عربی نوشته شده است.

حیثیة= حیثیت وحدة= وحدت

- 2- «به» حرف اضافه همیشه با اسم بعد از خود متصل است.

بجان= به جان بکثرة= به کثرت

- 3- «گ» اغلب بدون سرکش آمده است.

نکر= نگر گفته= گفته

- 4- «را» نشانه ی مفعول با اسم بعد از خود متصل نوشته است.

سالکرا= سالک را خلایقرا= خلایق را

- 5- صفت و موصوف به تبعیت از زبان عربی مذکر و مونث آده است.

کثرة معنویه اخلاق مرضیه صفات حمیده

- 6- نویسنده بیشتر در این مقاله از واژه های عربی و شکل عربی آنها استفاده کرده است. و حتی تاریخ کتابت آن را به عربی ثبت کرده است. فی شهور سنه سب و سبتین و الف
- 7- مقاله شعرونثرش به دنبال هم نگاشته شده است و هر جا به بیت می رسیده از واژه بیت یا شعر استفاده کرده است.

نسخه شناسی :

متنی که در پیش رو داریم مقاله ای است در باب ولایت از شاعر و عارف نامدار قرن نهم شاه نعمت الله ولی ، که از مطابقت چهار نسخه فراهم شده است . ملاک و اساس در این مقاله ، مقاله کتابخانه مجلس شورای اسلامی کتابت به سال 1066 ه. ق به شماره 372/8 – به خط محمد مظفر ابن محمد حکیم است . دو نسخه دیگر نیز مربوط به کتابخانه مجلس شورای اسلامی می باشد . که يك نسخه آن به تاریخ 1264 ه. ق به شماره 1119/8 به خط عباس ابن حاجي محمد شیرازی الاصل همدانی المسکن است که در متن با « مج 1 » معرفی شده است . و نسخه ی دیگر کتابخانه مجلس به شماره 3067/8 به تاریخ 1265 می باشد . که در متن با « مج 2 » معرفی گردیده است . و چهارمین نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی به سر شناسه ی ش : ض 530 به تاریخ 1264 به خط عباس شیرازی است که در متن با « ر ض » معرفی شده است .

روی الترمذی¹ صحیحہ فی انّ الرسول اللہ(ص)قال: «انا مدینة العلم وعلی بابها[1]»

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

رساله در تحقیق معنی² ولایت

«هو الاول والاخر والظاهر والباطن و هو بكل شيء عليم[2]»

بیت: عارفانه سخن به جان بشنو گفته عارفان چنان بشنو

باطن ولایت مشتمل بر وحدت حقیقت است که آن غیب مطلق است اما کثرت علمیه حضرت اعیان ثابته [3] است و همیشه ظاهر پوشیده به کثرت است. و اعیان ثابته صور اسمای الهیه اند در حضرت علمیه و ظهور اسما و صفات الهیه از حیثیت خصوصیات موجبه تعدد اسماست و هر اسمی او را صورت مخصوصه هر آینه اعیان ثابته متکثر باشند به کثرت³ معنویه و هر اسمی طالب ظهور و سلطنت و احکام خودند لاجرم نزاع و خصومت در اعیان خارجیه حاصل می شود و بعضی اسما متقاربه اند و بعضی متقابله. و اعیان متحجب اند از اسم الظاهر[4] در غیر و از برای دفع نزاع حاکم مطلق و حکیم به حق حکم فرمود که حاکم عادل میان ایشان تحکم فرماید از برای نظام دنیا و آخرت. و تحکم این حاکم به ربّ اوست و ربّ او ربّ الارباب و به عدالت هر اسمی را به کمال می رساند ظاهراً و باطناً و او نبی حقیقی است. و قطب ازلی و ابدی اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً یعنی حقیقت محمدیه[5] (صلی الله علیه و آله) چنانکه اشارت فرموده بقوله (علیه السلام): کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطّین ای بین العلم و الجسم[6].

این مرتبه خاصه سلطان انبیاست. اما حکم میان مظاهر به غیر اسما مرتبه نبی است که حاصل باشد او را نبوت از نیابت نبی حقیقی و مبعوث باشد به امر حق به خلق تا تصویر خلق کند. در عقول خلق و ارشاد فرماید به کمالی که مقدر است خلاق را در حضرت علمیه الهیه به اقتضای استعدادات اعیان ثابته ی ایشان و تصرف انبیا علیهم السلام در

¹ - مج 1 : در سر آغاز قبل از روی الترمذی «هو الله شأنه تعالی» ذکر شده است.

² - رض کلمه «معنی» ذکر نشده است.

³ - رض عبارت «به کثرت» ذکر نشده است.

مظاهر اسما بود و نبی حقیقی متصرف در اسما و مظاهر اسما و نبوت مختصّه به ظاهر و انبیا شریکند در دعوت و هدایت و تصرف در خلق و تمیز در میان انبیا در مرتبه بود. به حسب حیطه تامه چون اولوالعزم صلوات الله علیهم اجمعین. و غیر تامه چون انبیاء بنی اسرائیل و نبوت دایره‌ای است تامه مشتمله بر دوایر متناهیة متفاوته در حیطه ولایت. شعر¹:

در مراتب [7] نگر نکودریاب منصب هریکی به او دریاب
سخن از زلف و صورتش بشنو آن معانی تو مو به مو دریاب

تائید و قوّت و قدرت و تصرف و علوم که ظاهر از حق استفاضه می‌کند به وسیله باطن بود و باطن مقام ولایت و ولی به معنی قریب و حبیب است. و باطن نبوت ولایت و ولایت منقسم به عامّه خاصّه. اما ولایت عامّه مشتمل بر اهل ایمان به حسب مرتبه ی هر مومنی

كما قال الله تعالى: «²ولی الذین امنوا [8]» (الایه) بیت:

هر که مؤمن بود ولی باشد تابع حضرت علی باشد

و ولایت خاصه، خاصه ی سالکان کامل³ و عارفان واصل است و خاصّه عبارت است از فنای سالک در حقّ و ولی فانی است در حقّ و باقی به حق و مراد به این فنا فناء جهت بشریّت است در ربّانیت. و هر بنده را جهتی است از حضرت الهیه. چنانکه فرمود: «ولیکل وجهه هو مولیّها» [9] (الایه)

و بنده پیش از اتّصاف او به ولایت مبداء افعال و صفات⁴ از حیثیت جهت بشریت و بعد از اتّصاف به مقام ولایت مبداء افعال و صفات حق است از حیثیت جهت الهیه. كما قال جلّ

¹ - مج 2 به جاي « شعر » قطعه ذکر شده است .

² - مج 2 سر آغاز آیه کلمه ی « الله » ذکر شده است .

³ - مج 1 به جاي سالکان کامل ،کاملان سالک ذکر شده است .

⁴ - مج 1، مج 2، رض در این جا « خود بود » ذکر کرده اند .

ذکره» لا یزال العبد یتقرّب الی بالنوافل فاذا احببته کنت سمعه الذی یسمع به وبصره الذی یبصر به [10]» (الحديث) و سلطنت این ولایت ولی را حاصل نشود الا به توجه تام به جناب حق مطلق سبحانه تا جهت حقیقت غلبه کند بر جهت خلقت. شعر¹:

چون آفتاب بر آید ستاره ننماید کدام ذره در آن حال در حساب آید
و توجه تامّه کامله به محبّت ذاتیه تواند بود که پوشیده است در عین ثابته و ظهور آن توجه به اجتناب از غیر .

قطعه :

محبّت مرکب است و زاد تقوی به این مرکب بنشین وزاد بردار
چو مردان بر سردار فنا شو که در دار بقا کردی تو سردار²
فنا شو تا بقا یابی ز باقی سخن از نعمت الله یادمی دار³
و به این فنا سالک متعین شود به تعینات حقّانیه و صفات ربّانیه
شعر⁴ : گر شوی فانی ز خود باقی شوی مدّتی رندی کنی ساقی شوی
چون ولی متعین شود به تعینات حقّانیه آن تعین مطلقا از وی زایل نباشد و به مقتضای
«لانی بعدی [11]»

شعر⁵ : نبوّت ختم شد بر حضرت او چنین فرمود ما را حضرت او
و ولایت باطن نبوّت است و شامل انبیا و اولیا (علیهم السلام) فانی اند در حضرت حق و
باقی به حقّ

بیت : محرم اسرار سلطان دانش سیّد و بنده سر ذکر خوانمش
و نزد اهل الله این اختصاص الهی [12] است غیر کسبی بلکه جمیع مقامات اختصاصیه
عطائیه غیر کسبیه [13] است و حاصل عین ثابته ی¹ ولی است از فیض اقدس [14] و

8- مج 2 به جاي کلمه شعر ، کلمه بیت ذکر کرده است . در مج 1 نه شعر و نه بیت ذکر کرده است

2- مج 2 این مصراع ذکر نشده است .

3- مج 2 این مصراع ذکر نشده است .

4- مج 1 و مج 2 به جاي کلمه شعر ، کلمه بیت ذکر کرده اند .

5- مج 2 به جاي کلمه شعر ، کلمه بیت ذکر کرده است .

ظهور آن به تدریج به حصول شرایط و اسباب و اوّل ولایت سفر است از خلق به حقّ به ازاله تعینات خلقیه از مظاهر و اغیار و خلاص از قیود و استار و عبور از منازل و مقامات و حصول برمراتب و درجات و به علم یقینی و کشف شهودی .

سالک را این مقام حاصل نشود زیرا که این مقام موجب فنای شاهد است در مشهود و محو عابد در معبود. و عارفی که به قوّت استعداد شاهد² اسرار غیوب بود³ و متصفّ به صفات حمیده و اخلاق مرضیه غیرسالک طریق حقّ است به فنای افعال و صفات ذات .

بیت : این ولی واصل است تا دانی شاید از واصلش همی خوانی

عارف مستعد غیر واصل است در حقیقت بلکه به حجاب علم و شهود محجوب است و اصحاب طریقت مقامات کلیّه را قسمت فرموده‌اند به علم الیقین و عین الیقین و حقّ الیقین و علم الیقین تصوّر مطلوب است و⁴ 3 عین الیقین شهود محبوب است چنانکه اوست و حق الیقین فنا در حق و بقاء به حق به طریق حال نه به علم و شهود فقط و کمال ولایت را نهایت نیست و مراتب اولیا غیر متناهی و رسل جامع مراتب ولایت و نبوت و رسالت‌اند و انبیا جامع مراتب ولایت و نبوت. و هر رسولی نبی است و هر نبی ولی اما مرتبه نبوت نبی فوق مرتبه رسالت رسول است و مرتبه ی ولایت نبی فوق مرتبه نبوت او فافهم .

شعر⁵: سخن عارفان نکو دریاب صبر [کن]⁶ یک زمان دمی مشتاب

1- مج 1 کلمه ی « است » ذکر کرده است .

2- ر ض ، مج 1 و مج 2 به جای کلمه شاهد ، مشاهده ذکر کرده اند .

3 - مج 1 و مج 2 کلمه ی « بود » ندارد .

4- مج 1 ، مج 2 عبارت « چنان که مطلوب است » ذکر کرده اند .

5- مج 2 به جای کلمه شعر ، کلمه بیت ذکر کرده است .

6- ر ض ، مج 1 و مج 2 « صبر کن » ذکر کرده اند .

ولایت عامله شامله ی انبیا و اولیاست و ولایت انبیا عام است و ولی چون فانی شود در حقّ اطلاع یابد بر حقایق و معارف الهیه . اما او را نبی نخوانند و انباء عام رانبوت نگویند زیرا که نبوت تشریع منقطع است .

بیت : نبوت به ختم رسل ختم شد کمالات اجزا به کل ختم شد

اما اخبار از معارف ربّانیّه و اسما و صفات الهیه غیر منقطعه

شعر¹ : در دنیا و آخرت چنین است میراث من از نبی همین است

کما قال (صلی الله علیه وآله) : « العلماء ورثة الانبياء [15] » و قال (علیه السلام) : « نحن

معاشر الانبياء لانورث و لانورث و اولیاء ورثة [16] » بواطن انبیانند و علماء ورثه ی

ظواهر انبیا و ولی کامل مجتهد ورثه ی جمع .

بیت : خوش امامی که عارفان دارند مجتهدی ولی چنان دارند

مراد به علم علم وراثت است نه علم دراست ، علم کشفی است نه علم کسبی [17] شعر² :

علم کشفی آفتاب و علم کسبی چون قمر کون جامع رابه بین و جامع هر دو نگر

و رسل جامع مراتب ثلثه اند [18] و مرتبه رسالت و نبوت متناهیّه . اما مرتبه ابداً باقیه و

نبوت نعمت مخلوق است و ولایت صفت خالق الولی اسمی است از اسماء الله و اطلاق کنند

بر عبدی فانی باشد از خود در حقّ و باقی به حقّ³ .

بیت : هر که فانی شود بقا یابد خوش بقائی از آن فنا یابد

چون ز ذات و صفت شود فانی صفت و ذات از خدا یابد

قال رسول الله⁴ (صلی اله علیه وآله) « لودّیتم بحبل لیهبط علی الله [19] »

بیت⁵ : این سخن از ولایت او فرمود هر چه فرمود او نکو فرمود

در بیان بدیع آن بنگر این معانی بدان که چو¹ فرمود

¹- مج 2 به جای کلمه شعر ، کلمه بیت ذکر کرده است .

²- مج 2 به جای کلمه شعر ، کلمه بیت ذکر کرده است .

³- مج 1 کلمه « به حق » ندارد

⁴- رض کلمه « رسول الله » ندارد

⁵- مج 1 به جای کلمه شعر ، کلمه بیت ذکر کرده است .

یعنی در سلسله ی حاجت اعیان عالم متناهی شوند با اعیان ثابتۀ و اعیان ثابتۀ به اسماء الهیّه و اسماء الهیّه به اسم اعظم و اسم اعظم عین مسمّی است . فمنه بدأ و الیه یعود .
تمّت الرسالة و الحمد لله و المنّه . فی شهر سنه ست و سبتن و الف 1066

پی نوشت ها

- 1- شواهد التنزیل. ج. 1. ص 81
- 2- سوره حدید آیه 3
- 3- اعیان ثابتۀ: اصطلاحی عرفانی است که مبدع آن شیخ اکبر محی الدین عربی است. عین ثابت یعنی اینکه تمام حقایق عالم امکان اعم از اعراض و جواهر ظهوری در علم حق دارد . یعنی حقیقت آنها در علم حق بوده است و انعکاس علم حق می باشد.
- 1- 4- اسم الظاهر: اعیان خارجیّه نمی دانند که همگی ظهورات حق در غیر حق می باشند. خداوند دو ظهور و تجلی دارد. 1- ظهور در خود یعنی ظهور مرتبه احدیت در مرتبه واحدیت ، یعنی اسما و صفات در اعیان ثابتۀ. 2- ظهور در غیر ظهور یعنی اعیان ثابتۀ در خلق
- 5- حقیقت محمدیه: اصطلاحی است در عرفان ابن عربی ، به معنای تعین اوّل از ذات الهی که همان اسم اعظم و جامع اسماء حسنا ی حق است . از این حقیقت ، همه عوالم به ظهور رسیده است و به آن حقیقة الحقایق نیز میگویند. به اعتقاد عرفا حقیقت محمدیه به طور کامل در انسان کامل ظاهر میشود . نبی، رسول و ولی مظاهر این

حقیقت در عالم سفلی هستند و کامل ترین مظهر آن در این عالم پیامبر اسلام (ص) است. (ابن عربی)

6-بحار الانوار. ج 65، ص 27

7- مراتب انبیا: 1- احاطه ی تام دارند، نبی بر همه عالم و آدمند. (انبیا اولوالعزم) 2 -

احاطه ی تام ندارند ، نبی بر محدوده ی معین و قومی مشخصند. (انبیا بنی اسرائیل)

8-سوره البقره آیه 257 (آیه الكرسي)

9- سوره بقره، آیه 148

10-عوالی الآلی، ج 4، ص 103

11- اشاره دارد به حدیث «انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانی بعدی» علا

مه حسینی تهرانی (ره) در جلد دهم امام شناسی میگویند، این حدیث مورد اتفاق

علمای اسلام از اهل سنت و شیعه است. همچنین (ینابیع المودة باب 6، ص 5)

12- اشاره به آیه «و الله یختص برحمته من یشاء و الله ذوالفضل العظیم»، بقره آیه

105

13- اشاره به آیه «آتیناه رحمته من عندنا و علمناه من لدناً علماً» کهف آیه 65

14- فیض اقدسی و فیض مقدس

حق تعالی دوگونه تجلی دارد بر اساس این دو تجلی، دو فیض دارد ، یکی فیض

اقدس که بر اساس تجلی علمی عینی (تجلی حبّی ذاتی) بوده و عبارت است از

ظهور حقّ به صورت اعیان ثابته و اسما در حضرت. علم فیض دیگر فیض

مقدّسی است که بر اساس تجلی وجودی حق بوده و عبادت است از ظهور احکام و

آثار ثابته اسما در عالم خارج

15-بحار الانوار. ج 1، ص 164

16-ارشادالقلوب. ج 2، ص 335

17- اشاره به حدیث پیامبر اکرم (ص) «العلم نور یقذفه فی قلب من یشاء» مصباح

الشریعه - ص 16

18- رسول سه جهت دارد . 1- ولایی (ولایت) ابدی و ازلی که مقامی الهی است و اسم خدا- 2- ملکی (نبوت) که متناهی است و مقامی بشری 3- بشری (رسالت) که متناهی است.

19-بحار الانوار.ج55،ص107

سیوطی در الدر المنثور ذیل آیه سوم سوره مبارکه حدید از پیامبر روایت کرده است:
 «و الذی نفس محمد بیده لو انکم دلیتم احدکم بجبل الی الارض السابعة السفلی لهبط
 علی الله ثم قراء هو الاول والاخر و الظاهر و الباطن و هو بكل شیء علیم».
 این روایت به وضوح بیان می دارد که میان در موجودات و خدای تعالی نسبت
 فقر و غنی است، خدا در عین اینکه بالاترین موجودات است در پایین ترین
 موجودات حضور دارد . این حدیث با وحدت وجود عارفان و ولایت الهی هماهنگ
 است.

کتابنامه

- ###- مصباح الشریعه، امام صادق (ع) جعفر بن محمد، چاپ: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، سال چاپ: 1400 ه.ق.
- ###- مصباح الشریعه، ترجمه مصطفوی، ناشر انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، مکان تهران، سال چاپ: 1360 ش، چاپ اول.
- ###- ینابیع المودة لذوی القربی، شیخ سلیمان بن ابراهیم القندوزی، ناشر: بصیرتی قم، سال: 1384 ه.ق.
- ###- الدر المنثور، عبد الرحمن بن الکیمال جلال الدین السیوطی، ناشر: دار الفکر بیروت، سال: 1993 ه.ق.
- ###- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حاکم حسکانی، ناشر: مؤسسه چاپ و نشر: سالک 1411 ه.ق.
- ###- شواهد التنزیل، ترجمه روحانی، احمد روحانی، ناشر: دار الهدی، قم، سال: 1380 ش. چاپ اول.
- ###- عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسائی، ناشر: انتشارات سید الشهداء قم، سال: 1405 ه.ق.
- ###- الکافی، شیخ کلینی، ناشر: انتشارات اسلامیة تهران، سال 1362.

###- ارشاد القلوب الی الصواب، شیخ حسن دیلمی، ناشر: انتشارات شریف رضی قم، سال:

1412ه.ق .

###- ارشاد القلوب، ترجمه طباطبایی، سید عباس طباطبایی، ناشر: جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم، سال: 1376ش.

###- بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، علامه مجلسی، ناشر: مرسسه الوفاء بیروت-

لبنان، سال: 1404ه.ق

###- زندگی و آثار شاه نعمت الله ولی کرمانی، دکتر جواد نوربخش، تهران